

مثل آینه

درس سوم

متن‌های تعلیمی، با هدف آموزش و اندرز، نوشته شده‌اند، از این رو، خواننده باید آهنگ و لحن متناسب با فضای تعلیمی را رعایت کند. در لحن تعلیمی، خواننده با حفظ روحیهٔ نیک‌اندیشی و خیرخواهی، نرمی و ملایمت در گفتار را به کار می‌گیرد. حفظ آرامش و نرم‌گفتاری، بر تأثیر کلام اندرزی می‌افزاید، البته گاهی اندرز و تعلیم با زنه‌ار و پرهیز، همراه است و نباید آن را با لحن دستوری و فرمان، یکی دانست.

تعلیمی: آموزشی / اندرز: پند، موعظه / لحن: آهنگ، صوت، نوا / ملایمت: سازگاری، نرمی کردن، خوش‌رویی / زنه‌ار: برحذر بودن، امان، پناه
هدف: متمم قیدی / فضای تعلیمی ← متمم اسمی (متناسب ← با) نرمی و ملایمت ← مفعول (ملایمت ← معطوف) / حفظ ← نهاد / تأثیر کلام اندرزی ← متمم اجباری (می‌افزاید ← بر) / همراه ← مسند / دانست ← فعل چهارجزئی گذرا به مفعول (آن) و مسند (یکی) / فرمان ← معطوف به متمم

لغت
دستور

نوجوانی، تولد دوبارهٔ انسان است. در این مرحلهٔ پرتب و تاب، نوجوان، افزون بر رابط با خود، نیازمند رابط‌ای دیگر نیز هست؛ نیازمند دو چشم دیگر که نوجوان را ببیند و به او بگوید: کیست و چگونه است؛ از همین جاست که دوستی و پیوند با دیگران آغاز می‌شود. این ارتباط، وابسته به نیاز درونی است که به نوجوان کمک می‌کند تا به خودشناسی برسد. دیگران، زبان نقد او و پنجره‌هایی هستند که در برابر دیدگان پرشکر وی، گشوده شده‌اند.



تب و تاب: شور و هیجان / افزون: علاوه، بیش، زیاد، افزاینده / نقد: بررسی کردن و آشکار ساختن خوبی‌ها و زشتی‌های چیزی
«نوجوانی» به «تولد دوبارهٔ انسان» ← تشبیه / دو چشم دیگر ← مجاز از انسانی دیگر، دوست / دو چشم بگویند ← تشخیص / «دیگران» به «زبان نقد» ← تشبیه / «دیگران» به «پنجره‌ها» ← تشبیه / دیدگان پرشش‌گرند ← تشخیص
تولد ← مسند / دوباره ← صفت «تولد» / انسان ← مضاف‌الیه / این ← صفت اشاره برای «مرحله» / پر تب و تاب ← صفت «مرحله» / «نوجوان» اول ← نهاد / نیازمند ← مسند / دیگر (رابطه‌ای دیگر) ← صفت مبهم برای «رابطه» / افزون بر رابطه با خود ← قید (افزون ← قید، رابطه ← متمم اسمی برای «افزون»، خود ← متمم اسمی برای «رابطه») / کی و چگونه ← مسند / دوستی و پیوند ← نهاد (پیوند ← معطوف) / آغاز ← مسند / وابسته ← مسند / نیاز درونی ← متمم اسمی برای «وابسته» / کمک ← مفعول / نوجوان (به نوجوان کمک می‌کند ...) ← متمم اسمی برای «کمک» / به خودشناسی ← متمم قیدی / برسد ← فعل دو جزئی (یعنی نیاز به هیچ جزء دیگری به جز نهاد ندارد) / «زبان» و «پنجره‌هایی» ← مسند (پنجره ← معطوف) / نوجوانی = نو + جوان + ی مصدری ← مشتق مرکب / پرتب و تاب ← مشتق مرکب / وابسته = وا + بست + ه ← مشتق / خودشناسی = خود + شناس (بن مضارع) + ی مصدری ← مشتق مرکب
دو صفت مبهم «چند» و «دیگر» هم می‌توانند پیش و هم پس از اسم بیایند. مثال:

لغت
آرایه

دستور

نکات دیگر

نکات دیگر، دیگر نکات / چند مداد، مدادی چند / کتاب‌های دیگر، دیگر کتاب‌ها و ...



دوستان واقعی، راه نیک بختی را به ما نشان می دهند و همراهان خوبی برای شکوفایی بهتر هستند. آنها مثل آینه، همان قدر که خوبی‌ها را پیش چشم می آورند، عیب‌ها را هم به ما می نمایانند و مهم تر آنکه این همه را بی صدا و بی هیاهو، باز می گویند. رسم دوستی، شکستن آینه نیست؛ درست آن است که فرصت بازاندیشی و خود شکوفایی را پدید آوریم و گامی به سوی فراتر رفتن برداریم.

لغت نیک بختی: سعادت‌مندی، خوش بختی / قدر: اندازه / پیش: مقابل، روبه‌رو / هیاهو: غوغا، جار و جنجال، سر و صدا، آشوب / بازاندیشی: دوباره فکر کردن / فراتر: بالاتر

آرایه آن‌ها به آینه ← تشبیه (مثل ← ادات تشبیه) / عیب و خوبی ← تضاد / تلمیح ← اشاره به حدیث «المؤمنُ مرأهُ المؤمن» (مؤمن آینه مؤمن است)

دستور واقعی ← صفت / نشان می دهند ← فعل مرکب / همراهان ← مسند / پیش چشم ← قید / خوبی‌ها (خوبی‌ها را پیش چشم ...). ← مفعول / می نمایانند ← فعل ۴ جزئی گذرا به مفعول (عیب‌ها) و متمم (ما) / همه ← مفعول / این ← صفت همه / بی صدا و بی هیاهو ← قید / باز می گویند ← فعل پیشوندی / رسم ← نهاد / شکستن ← مسند / نیک بختی = نیک + بخت + ی مصدری ← مشتق مرکب / بی هیاهو ← مشتق / شکستن = شکست + ن ← مشتق

آینه، چون نقش تو، نمود راست
خود شکن آینه شکستن خطاست
(نظامی گنج‌ای)



معنی وقتی که آینه تو را به همان شکل که هستی نشان می دهد (نه زیباتر و نه زشت‌تر)، اگر آینه را بشکنی، زشتی‌هایت برطرف نمی‌شود. پس جای شکستن آینه، خودت را اصلاح کن.

آرایه شکن و شکستن ← اشتقاق / خود شکن ← کنایه از «اصلاح خویش، دست از غرور کشیدن» / آینه نقش تو را راست بنمود ← تشخیص و استعاره

دستور آینه ← نهاد / چون ← قید (به معنی وقتی) / بنمود (از مصدر نمودن) ← فعل ۴ جزئی گذرا به مفعول (نقش) و مسند (راست) / خود ← مفعول / آینه شکنستن ← نهاد / خطا ← مسند



کار و شایستگی

تاریخ ادبیات



پروین اعتصامی

شاعر پرآوازه زبان فارسی است که در سال (۱۲۸۵ هـ. ش) در شهر تبریز دیده به جهان گشود. سروده‌های او در زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی و انتقادی است و حالتی اندرزگونه دارد. پروین در سال ۱۳۲۰ خورشیدی درگذشت؛ آرامگاه وی در شهر قم کنار صحن حضرت معصومه (س) قرار گرفته است.

جوانی، که کار و شایستگی است / که خودپسندی و پندار نیست



گه: گاه، زمان، وقت، هنگام / شایستگی: لیاقت / خودپسندی: غرور، تکبر / پندار: گمان، خودپسندی، فکر

جوانی زمان تلاش و فعالیت و زمان انجام کارهای شایسته و نشان دادن لیاقت است. زمان غرور و خودپسندی و توهمات نیست.

است و نیست ← تضاد / گه ← تکرار / تکرار واج «گ» ← واج‌آرایی

جوانی ← نهاد / گه ← مسند / کار و شایستگی ← مضاف‌الیه / خودپسندی و پندار ← مضاف‌الیه

لغت

معنی

آرایه

دستور

چو بفروختی، از که خواهی خرید؟ / متاع جوانی به بازار نیست



متاع: کالای با ارزش، چیز گران‌بها

اگر جوانی را از دست بدهی، آن را از چه کسی پس می‌گیری؟ جوانی کالایی نیست که در بازار خرید و فروش شود (اگر آن را از دست بدهی، دیگر نمی‌توانی به‌دست آوری).

بفروختی و خواهی خرید ← تضاد / متاع جوانی ← اضافه تشبیهی (جوانی به متاع تشبیه شده) / مصراع دوم ← کنایه از باز نگشتن فرصت جوانی / مصراع اول ← پرسش انکاری (یعنی سؤالی که نیاز به جواب ندارد و جنبه تأکید و نفی دارد، هم به آن استفهام انکاری هم می‌گویند)

که ← متمم اجباری (خریدن ← از) / که ← ضمیر پرسشی (معنی چه کسی می‌دهد) / متاع ← نهاد / بازار ← متمم / «نیست» ← فعل غیراسنادی است به معنی وجود ندارد / به ← حرف اضافه به معنای حرف اضافه «در»

لغت

معنی

آرایه

دستور

غنیمت شمر، جز حقیقت مجوی که باری است فرصت، دگر باری نیست



غنیمت شمردن: سود بردن از چیزی، استفاده کردن از چیزی / شمر: به حساب آور / بار: دفعه، مرتبه
فرصت جوانی را غنیمت بدان (از آن به درستی بهره ببر و برایش ارزش قائل شو)، تنها به دنبال حقیقت باش (به دنبال چیزهای پوچ و ناراست نرو)، چرا که فرصت (جوانی) تنها یک بار پیش می‌آید و دیگر تکرار نمی‌شود (با توهمات و چیزهای باطل فرصت جوانی را از دست نده).
تلمیح ← حدیث «الفرص غنائم...» (فرصت‌ها غنیمت‌هایی هستند) / غنیمت شمر ← کنایه از «ارزش نهادن و بهره بردن» / بار
← تکرار / است و نیست ← تضاد
«ی» در «باری» ← نکره (یک‌بار) / غنیمت ← مسند / شمر ← فعل گذرا به مفعول و مسند / حقیقت ← متمم / جز حقیقت
← مفعول / بار ← مسند / فرصت ← نهاد / دگر ← صفت بار

لغت

معنی

آرایه

دستور

میچ از ره راست، بر راه کج چو در هست، حاجت به دیوار نیست



میچ: سرپیچی نکن / حاجت: نیاز
از راه درست به راه غلط نرو (از مسیر درست زندگی به راه باطل و تباهی زندگی نرو). وقتی می‌شود از در وارد جایی شوی، نیازی نیست از روی دیوار بپری.
راست و کج ← تضاد / مصراع دوم ← ارسال‌المثل یا تمثیل (ضرب‌المثل) / دو مصراع مثال و مصداق هم هستند ← اسلوب معادله / هست و نیست ← تضاد / در و دیوار ← تناسب / مصراع اول ← کنایه از در پیش گرفتن راه درست / مصراع دوم ← کنایه از «از راه درست کاری را انجام دادن»
به راه کج ← متمم قیدی / هست ← فعل غیراسنادی (به معنی وجود دارد) / در ← نهاد / حاجت ← نهاد / دیوار ← متمم اسمی برای حاجت / نیست ← فعل غیراسنادی
«هست» و «نیست» و «بود» و «نبود» و فعل‌های مشابه آن‌ها چنان‌چه معنای وجود داشتن یا نداشتن بدهند، دیگر فعل اسنادی نیستند و نیازی به مسند ندارند. مثال: «یک مداد روی میز است». در این جمله نقش‌های اصلی نهاد (مداد) و فعل (است) هستند. مثال دیگر: «کسی در خانه نبود.»

لغت

معنی

آرایه

دستور

نگات دیگر

تیزهوشان



اسلوب معادله

آن است که یک مصراع را بتوان مثال و مصداقی برای مصراع دیگر فرض کرد و ارتباط بین آن دو بر پایه تشبیه است. [مصراع دوم نباید ادامه، دلیل یا وابسته به مصراع اول باشد بلکه فقط باید مثال و مصداقی برای آن باشد]

مثال:

- عیب پاکان زود بر مردم هویدا می‌شود
(مصراع دوم مثال و مصداقی برای مصراع اول است)
- دود اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست
(مصراع دوم مثال و مصداقی برای مصراع اول است)
- موی اندر شیر خالص زود پیدا می‌شود
- جای چشم ابرو نگیرد گرچه او بالاتر است

زِ آزادگان، بردباری و سعی / بیا موز، آموختن عار نیست



لغت آزادگان: جمع آزاده، افراد وارسته، انسان‌های اصیل و نجیب، جوانمردان / بردباری: صبوری، شکیبایی / سعی: تلاش، کوشش / عار: عیب و ننگ، باعث سرافکنده‌گی

معنی از انسان‌های جوانمرد و بزرگ، صبر و تلاش را یاد بگیر. آموختن و یاد گرفتن ننگ نیست.

آرایه بیا موز و آموختن ← اشتقاق

دستور بیا موز ← فعل گذرا به مفعول (بردباری و سعی) و متمم (آزادگان) / آموختن ← نهاد / عار ← مسند

نکات دیگر آموختن گاهی به معنای تعلیم (یاد دادن) به کار می‌رود و گاهی به معنای تعلّم (یاد گرفتن). در هر دو صورت نیازمند مفعول و متمم است، با این تفاوت که در معنای «یاد دادن» حرف اضافه مخصوص آن «به» است و در حالت دیگر «از».

مثال برای حالت اول: معلّم درس را به علی آموخت.

مثال برای حالت دوم: علی درس را از معلّم آموخت.

به چشم بصیرت به خود درنگر / تو را تا در آینه، زنگار نیست



لغت بصیرت: زیرکی، روشن بینی / درنگر: نگاه کن / زنگار: آلودگی و غبار، زنگ فلزات و آینه

معنی زیرکانه و با روشن بینی، به خودت (و ویژگی‌های درونت) نگاه کن تا زمانی که بر آینه وجود تو غبار ننشسته است (وجود تو مانند آینه‌ای صاف است. تا زمانی که به بدی‌ها آلوده نشده‌ای و آینه درونت غبارآلود نشده است، خودت را دریاب).

آرایه «تو» به «آینه» ← تشبیه / زنگار ← استعاره از پلیدی و کثیفی‌های روح

دستور چشم بصیرت ← اضافه اقترانی (چشم به نشانه بصیرت) / «به» اول ← حرف اضافه به معنای «با» / درنگر ← فعل پیشوندی / «را» ← فک اضافه (تو را تا در آینه ← تا در آینه تو (آینه تو ← اضافه تشبیهی)) / نیست ← فعل غیراسنادی (وجود ندارد) / زنگار ← نهاد / خود ← متمم اجباری

تیزهوشان



«را»ی فک اضافه

«را»یی که بین مضاف و مضاف‌الیه جابه‌جا شده می‌آید.

• مثال:

فلک را سقف ← سقفِ فلک

نیّت را معنی ← معنیِ نیّت

مرا نام ← نامِ من

همی دانه و خوشه، خروار شد / زآغاز، هر خوشه خروار نیست



لغت خوشه: چندین دانه میوه به هم پیوسته، (خوشه انگور) / خروار: خربار، مقدار بار یک خر، معادل ۳۰۰ کیلوگرم

معنی دانه‌ها و خوشه‌ها کم کم به هم می‌پیوندند و خروار می‌شوند. هیچ خوشه اندکی از ابتدا یک خروار نبوده است.

آرایه دانه و خوشه و خروار ← تناسب / خروار ← تکرار

دستور دانه و خوشه ← نهاد (خوشه ← معطوف) / خروار ← مسند / «خوشه» دوم ← نهاد

نکات دیگر توجه کنید که اگر کلمه تکراری در بیت بیاید، در صورتی آرایه تکرار وجود دارد که علاوه بر شکل، معنای یکسان هم داشته باشند.

همه کار ایام، درس است و پند / دریغا که شاگرد هشیار نیست



لغت ایام: جمع یوم، روزها / پند: اندرز، نصیحت / دریغ: افسوس / هشیار: هوشیار، هوشمند، زیرک

معنی کار روزگار همواره پند و درس آموختن به ماست (تمام روزگار مایه درس و عبرت است). افسوس که انسان‌ها غافل می‌باشند.

آرایه کار ایام پند است ← تشخیص / ایام ← مجاز از روزگار / درس و پند ← تناسب / شاگرد ← استعاره از انسان / درس و شاگرد ← تناسب

دستور دریغا ← صوت (شبه جمله)، ۱ جمله / کار ← نهاد / درس و پند ← مسند / شاگرد ← نهاد / هشیار ← مسند

پروین اعتصامی

تیزهوشان



قطعه

این شعر در قالب قطعه سروده شده است. ترتیب قرار گرفتن قافیه‌ها در قالب قطعه چنین است:

× _____ _____
× _____ _____
× _____ _____

- در قالب قطعه، مصراع‌های زوج هم قافیه هستند.
- در این شعر کلمه ردیف ← نیست
- کلمات قافیه: پندار، بازار، بار، دیوار، عار، زنگار، خروار، هشیار

خودارزیابی

- ۱ نویسنده به چه نوع ارتباطهایی در دوران نوجوانی اشاره کرده است؟
ارتباط با انسانهایی که نقش دوست واقعی را دارند. تنها از ما تعریف و تمجید نمی‌کنند، بلکه آیینۀ تمام‌نمای ما هستند و تمام ویژگی‌های ما را می‌بینند؛ خوبی و بدی ما را. بدی‌های ما را پنهانی به ما گوشزد می‌کنند، چون دوست‌دار ما هستند و قصد حقیر کردن ما را ندارند، بلکه نیت آن‌ها اصلاح ماست. ارتباط با کسانی که به ما کمک می‌کنند تا خودمان را بهتر بشناسیم.
- ۲ ویژگی‌های مشترک آیینۀ و دوست را بیان کنید.
آیینۀ تمام ویژگی‌های ما را نشان می‌دهد؛ چه زشتی و چه زیبایی. دوست واقعی نیز چنین است. تنها به تعریف و تمجید از ما نمی‌پردازد و تنها عیب‌های ما را نمی‌بیند، بلکه خوبی و بدی ما را به ما نشان می‌دهد و به ما کمک می‌کند خود را بهتر بشناسیم.
- ۳ به نظر شما چه ارتباطی میان نثر و شعر درس وجود دارد؟
غنیمت شمردن ایام جوانی و نوجوانی، به راه نادرست نرفتن.
- ۴ (به عهده دانش‌آموز)

نکته ادبی

به بیت زیر، توجه کنید:

«چو بفروختی، از که خواهی خرید؟ متاع جوانی به بازار نیست»

گاهی برای تأکید بر سخن و گاهی برای رد یا نفی آن، پرسشی را مطرح می‌کنیم. همان‌گونه که می‌بینید در مصراع اول بیت بالا، پرسشی مطرح شده است که مقصود گوینده آن نیست که جوانی را از چه کسی خواهی خرید؛ شاعر خود از این موضوع آگاه است. قصد او تأکید بر انکار این موضوع است که دوره جوانی، قابل خرید و فروش نیست و چنانچه از این دوره به خوبی بهره‌گیری، به هیچ روی، نمی‌توانی آن را جبران کنی؛ یا اگر شخصی به دیگری بگوید: «من کی این حرف را زدم»، منظور او این است که من این حرف را زدم، به این گونه پرسش‌ها «پرسش انکاری» می‌گویند.

تیزهوشان



مثال‌های دیگر از پرسش انکاری (استفهام انکاری)

- همچو نی زهری و تریاقی که دید؟ / همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟
(هیچ کس زهر و پادزهری مانند نی ندیده است. / هیچ کس دمساز و مشتاقی مانند نی ندیده است.)
- اما چون به آن‌چه دارم و اندک است، قانعم، وزر و بال این چه به کار آید؟
(اما چون به مال کم خود قانعم، گناه و عذاب این (مال) به کار نمی‌آید.)
- به جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب / که علم کند به عالم، شهیدای کربلا را؟
(به جز از حضرت علی (ع) هیچ کس نمی‌تواند پسری داشته باشد که نام شهیدان کربلا را در تمام دنیا بالا ببرد.)
- گل شبدر چه کم از لاله قرمز دارد؟
(گل شبدر از لاله قرمز هیچ چیز کم ندارد.)
- به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ / سوار اندر آیند هر سه به جنگ؟
(البته که به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ سوار به جنگ نمی‌آیند)

گفت و گو

- ۱ درباره مفهوم جمله «المؤمن مرآة المؤمن» و ارتباط آن با درس بحث و گفت‌وگو کنید. (به عهده دانش‌آموز)
 - ۲ بیت زیر، کدام ضرب‌المثل را به یاد می‌آورد، درباره ارتباط این دو، توضیح دهید. (به عهده دانش‌آموز)
- همی دانه و خوشه، خروار شد ز آغاز، هر خوشه خروار نیست

واژه‌شناسی

در نوشتن واژگانی مانند پائیز، آئینه، کجائید و... به جای همزه، بهتر است از حرف «ی» بهره گیریم. مانند: پاییز، آئینه و...

به چشم بصیرت به خود در نگر تو را تا در آئینه زنگار نیست

نوشتن

- ۱ در میان کلمه‌های زیر، هم‌خانواده کدام واژه‌ها در متن درس به کار رفته است؛ آن‌ها را بیاپید و بنویسید.

غنی، حجت، یوم، مغتنم، مبصر، احتیاج، صبور، دوام، مساعی، سعید

مغتنم ← غنیمت / مبصر ← بصیرت / احتیاج ← حاجت / دوام ← دائم / مساعی ← سعی

- ۲ در بیت زیر کنایه‌ها را مشخص کنید و معنی آن‌ها را بنویسید.

میپچ از ره راست بر راه کج چو در هست حاجت به دیوار نیست
مصراع اول ← از مسیر درست زندگی خارج نشو و به سمت بطالت و تباهی نرو
مصراع دوم ← وقتی راه درست هست، به راه نادرست نیاز نیست.

- ۳ با ذکر دلیل، گونه‌های پرسش زیر را مشخص کنید.

یا که داند که بر آرد گل صدبرگ از خار؟
عزت چیست؟ عزیزیت کدام؟
کن نیک تأمل اندر این باب
وز کرده خود، چه برده‌ای سود؟

که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟
خار بر پشت زنی زین سان گام
هر شب که روی به جامه خواب
کان روز، به علم تو چه افزود؟

بیت ۱: شاعر خود در این بیت می‌داند که تنها خدا قادر است از چوب میوه‌های رنگارنگ و از میان خارها گل‌های پر از گلبرگ بیافریند و هدفش برجسته کردن این موضوع در ذهن مخاطب است. بنابراین، بیت مذکور گونه‌ای از استفهام پرسش انکاری را مطرح می‌کند.

بیت ۲: شاعر در این بیت نمی‌خواهد قدر عزت مخاطب (خارکش) را بداند، بلکه با این پرسش قصد دارد تاکید کند، خارکش! عزت و احترامی ندارد، پس این بیت پرسش انکاری است.

در بیت ۴: پرسشی معمولی صورت گرفته است و شاعر انتظار جواب دارد.

سان: گونه، نوع / گام: قدم / عزت: ارجمندی / عزیز: بزرگوار، ارجمند / جامه: لباس / تأمل: اندیشیدن، درنگ / باب: موضوع، مسئله
بیت ۳ و ۴: هر شب پیش از خواب به این فکر کن که در آن روزی که سپری کردی، چه علمی اندوخته‌ای و از اعمال چه سودی برده‌ای؟ همان‌طور که از معنا برمی‌آید، در این دو بیت از پرسش معمولی استفاده شده است.

شب و روز ← تضاد

برپشت: متمم قیدی / عزت ← نهاد / چی ← مسند / عزیز ← نهاد / کدام ← مسند / نیک ← قید / اندر ← حرف اضافه (در)

لغت

معنی

آرایه

دستور

باغبانِ نیک اندیش

حکایت

تاریخ ادبیات



سعدالدین وراوینی

یکی از دانشمندان اهل وراوین در نزدیکی اهر که در قرن ششم می‌زیست و کتاب «مرزبان‌نامه» اثر مرزبان بن رستم شروین پَریم را که به زبان طبری (مازندرانی کهن) بود، به فارسی برگرداند.

روزی خسروی به تماشای صحرا بیرون رفت. باغبانی پیر و سالخورده را دید که سرگرم کاشتن نهال درخت بود. خسرو گفت: «ای پیرمرد، در موسم کهنسالی و فرتوتی، کار ایام جوانی پیشه کرده‌ای. وقت آن است که دست از این میل و آرزو برداری و درخت اعمال نیک در بهشت بنشانی، چه جای این حرص و هوس باطل است؟ درختی که تو امروز نشانی، میوه آن کجا توانی خورد؟»

باغبان پیر و پاک‌دل گفت: «دیگران نشانند، ما خوردیم، اکنون ما بنشانیم تا دیگران خورند.»



خسرو: پادشاه / تماشا: گردش کردن، دیدن / نهال: درخت جوان و نوزسته / موسم: زمان، هنگام / کهنسالی: پیری / فرتوت: پیر، سالخورده / پیشه: کار، شغل / میل: رغبت، آرزو / حرص: طمع، آز / هوس: میل، آرزو، خواهش نفس / نشاندن: کاشتن / کهنسالی و جوانی ← تضاد / باغبان و نهال و درخت و میوه ← مراعات نظیر / درخت اعمال نیک ← اضافه تشبیهی (اعمال نیک به درخت تشبیه شده) / درخت اعمال نیک در بهشت نشانی ← کنایه از این که با اعمال نیک، آخرت را نیک بسازی. / دست برداری ← کنایه از این که کناره‌گیری کنی / چه جای این حرص و هوس باطل است ← پرسش انکاری

روزی، بیرون ← قید / پیر و سالخورده ← صفت باغبان / سرگرم ← مسند / ای پیرمرد ← حرف ندا و منادا ← ۱ جمله / پیشه کرده‌ای ← فعل مرکب / وقت آن ← مسند / دست برداری ← فعل مرکب / درخت اعمال نیک ← مفعول / بهشت ← متمم / این حرص و هوس ← دو ترکیب وصفی (۱- این حرص ۲- این هوس) / امروز، کجا ← قید

لغت

آرایه

دستور



تیزهوشان

لغات مهمّ املائی کُلّ درس ۳

| | | | | |
|------------|-------------|-----------|------------|--------------------|
| پُر تبوتاب | روحیه | اندرز | عبدالقادر | غنیمت |
| نظامی | راست و خطا | بی‌هایو | همان‌قدر | دیدگان پرسشگر |
| زنگار | چشم بصیرت | عار | حاجت | متاع جوانی |
| مغتنم | حجّت | غنی | ضرب‌المثل | المؤمن مرآة المؤمن |
| سالخورده | سعید | مساعی | احتیاج | مبصر |
| سعدالدین | مرزبان‌نامه | حرص و هوس | میل و آرزو | فرتوتی |



سوالات تشریحی

الف) معنی شعر و نثر

۱- معنی ابیات زیر را به فارسی روان بنویسید.

الف) خار بر پشت زنی زین سان گام
ب) غنیمت شمر، جز حقیقت مجوی

عزّتت چیست؟ عزیزیت کدام؟
که باری است فرصت، دگر بار نیست

ب) معنی لغت و املا

۲- معنی کلمات خواسته شده را بنویسید.

الف) متاع جوانی به بازار نیست.
ب) هر شب که روی به جامه خواب.
ج) جوانی گه کار و شایستگی است.
د) پیاموز، آموختن عار نیست.
هـ) زنگار: (و) زنهار:
ح) مغتنم: (ط) فرتوت:
ز) موسم:
ی) نقد:
ک) غنیمت شمردن: (ل) مساعی:

۳- در گروه کلمات زیر غلط‌های املائی را بیابید و درست آن‌ها را بنویسید.

پر تب‌وتاب و پر هیاهو - اسلاح کردن عیب‌های خود - بصیرت و بینایی - حرص و حوس

ج) تاریخ ادبیات

۴- کتاب «مرزبان‌نامه» به شیوه کدام کتاب نوشته شده است و مشتمل بر چه چیزی است؟

۵- توضیح آمده در زیر، مربوط به چه کسی است؟

«وی یکی از دانشمندان قرن ششم است و کتاب «مرزبان‌نامه» را که به زبان طبری بود به فارسی برگرداند.»

۶- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

«پروین اعتصامی، شاعر پر آوازه فارسی در تبریز چشم به جهان گشود. سروده‌های او در زمینه‌های اجتماعی،

.....، است و حالتی دارد.»

د) آرایه‌های ادبی

۷- آرایه‌های ابیات زیر را بنویسید. (هر کدام ۲ مورد)

الف) در زندگی مطالعه دل غنیمت است
ب) آینه چون نقش تو بنمود راست
ج) میبچ از ره راست بر راه کج

خواهی بخوان و خواه نخوان، ما نوشته‌ایم
خود شکن آینه شکستن خطاست
چو در هست حاجت به دیوار نیست

۸- هدف استفاده از «پرسش انکاری» چیست؟ (با ذکر مثال)

هـ) خودارزیابی و نوشتن

۹- کدام یک از دو حالت کلمه «آئینه» و «آئینه» بهتر است؟

۱۰- برای هر یک از کلمات داده شده دو هم خانواده بنویسید.

الف) غنی: ۱، ۲،

ب) مبصر: ۱، ۲،

ج) دوام: ۱، ۲،

د) سعید: ۱، ۲،

۱۱- نوع پرسش‌های آمده در زیر را مشخص کنید.

الف) که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟

ب) بجز از علی که آرد پسری ابوالعجائب که علم کند به عالم شهدای کربلا را؟

۱۲- متن‌های تعلیمی با چه هدفی نوشته شده‌اند؟

۱۳- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

«..... و نرم گفتاری بر تأثیر کلام اندرزی می‌افزاید، البته گاهی تعلیم با پرهیز همراه است و نباید آن را با

لحن یکسان دانست.»



پاسخ سؤالات تشریحی

پاسخ ۱

الف) خار و خاشاک را این گونه بر پشت خود می‌گذاری و حمل می‌کنی، عزت و بزرگی تو در این کار چیست؟ (این چنین عزت و احترام خود را از دست می‌خواهی)

ب) قدر (جوانیت را) بدان و به جز حقیقت دنبال چیز دیگری نباش، زیرا هر کس یک بار بیش‌تر نمی‌تواند زندگی کند. (فرصت هر کس یکبار بیش‌تر نیست.)

پاسخ ۲

الف) کالای با ارزش، چیز گران‌بها
 ج) مخفف «گاه» است، یعنی زمان و دوره
 هـ) آلودگی و غبار، زنگ فلزات و آئینه
 ز) هنگام، زمان
 ط) پیر، سالخورده
 ک) سود بردن از چیزی، استفاده کردن از چیزی

ب) لباس
 د) عیب و ننگ، باعث سرافکنندگی
 و) آگاه باش (صوت است)
 ح) غنیمت شمرده، با ارزش
 ی) بررسی کردن و آشکار ساختن خوبی‌ها و زشتی‌های چیزی
 ل) جمع «م سعی»، کوشش‌ها، سعی‌ها

پاسخ ۳ صورت صحیح کلمات نادرست: اصلاح کردن، حرص و هوس

پاسخ ۴ کتابی است به شیوهٔ کلیله و دمنه و مشتمل بر داستان و تمثیل.

پاسخ ۵ «سعدالدین و راوینی»

پاسخ ۶ جاهای خالی به ترتیب با کلمات «اخلاقی و انتقادی، اندرزگونه» تکمیل می‌شود.

پاسخ ۷

الف) بخوان، نخوان: تضاد / تکرار مصوت «خ»: واج‌آرایی / مطالعه، خواندن، نوشتن: مراعات نظیر / مطالعهٔ دل: اضافهٔ استعاری (استعاره)
 ب) راست (به معنای درست)، خطا: تضاد / کل بیت: ضرب‌المثل / خود شکستن: کنایه از ترک غرور و اصلاح کردن خود
 ج) راست (مستقیم)، کج: تضاد / در و دیوار: مراعات نظیر / مصراع دوم: ضرب‌المثل / هر دو مصراع: کنایه / اسلوب معادله

پاسخ ۸ قصد، تأکید بر انکار موضوع مورد پرسش است.

مثال: «من کی این حرف را زدم». منظور این است که من این حرف را نزد.

پاسخ ۹ آئینه (به‌جای همزه بهتر است از حرف «ی» بهره بگیریم).

پاسخ ۱۰

الف) غنیمت، اغتنام، مغتنم

ب) بصیرت، بصیر

ج) مداوم، مداومت، ادامه

د) مسعود، سعادت

پاسخ ۱۱ الف) پرسش انکاری ب) پرسش انکاری

پاسخ ۱۲ آموزش و اندرز

پاسخ ۱۳ جاهای خالی به ترتیب با کلمات «حفظ آرامش، دستوری و فرمان» تکمیل می‌شود.

سوالات تستی

۱- معنای چند واژه نادرست ذکر شده است؟
موسم (فصل)، فرتوت (سالخورده)، غنیمت شمردن (سود بردن)، زنهار (آلودگی)، اندرز (پند)، بصیرت (زیرکی)،
مغتنم (غنیمت شمرده شده)، مساعی (کوشش کننده)

(۱) ۲ (۲) ۳ (۳) ۱ (۴) ۴

۲- معنای واژه‌های «متاع، عار، زنگار» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

(۱) کالا، عیب، زنگ‌زدن
(۲) کالا، مایه سرافکندگی، غبار
(۳) کالای گران‌بها، بدی، آلودگی
(۴) چیز کم ارزش، عیب و ننگ، زنگ آئینه

۳- کدام گزینه نادرست است؟

(۱) پروین اعتصامی از شاعران پرآوازه ایرانی است که اشعارش در زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی و انتقادی است و حالتی اندرزگونه دارد.

(۲) گاهی اندرز و تعلیم با زنهار و پرهیز، همراه است که نباید با لحن دستوری و فرمان آن را یکی دانست.

(۳) «مرزبان‌نامه» کتابی است به شیوه «کلیله و دمنه» و مشتمل بر داستان و تمثیل است.

(۴) سعدالدین وراوینی یکی از دانشمندان اهل وراوین است. از کارهای او تألیف کتاب «مرزبان‌نامه» بود.

۴- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«میچ از ره راست، بر راه کج / چو در هست حاجت به دیوار نیست»

(۱) تکرار، تضاد، تشبیه
(۲) تمثیل، مراعات نظیر، تشبیه
(۳) تشبیه، کنایه، تضاد
(۴) اسلوب معادله، مراعات نظیر، تضاد

۵- در کدام بیت از استفهام انکاری استفاده نشده است؟

(۱) که تواند که دهد میوه السوان از چوب؟
یا که داند که برآرد گل صد برگ از خار؟

(۲) چو بفروختی از که خواهی خرید؟
متاع جوانی به بازار نیست

(۳) به‌جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب
که علم کند به عالم شهادی کربلا را؟

(۴) کان روز به علم تو چه افزود
وز کرده خود، چه برده‌ای سود؟

۶- در کدام گزینه، دو عبارت یا بیت با هم قرابت معنایی ندارند؟

(۱) المؤمن امرأة المؤمن

آینه چون نقش تو بنمود راست
خودشکن آینه شکستن خطاست

(۲) قطره‌قطره جمع گردد وانگهی دریا شود

همی دانه و خوشه، خروار شد
زآغاز، هر خوشه خروار نیست؟

(۳) همه کار ایام، درس است و پند

چندین هزار منظر زیبا بیافرید
دریغا که شاگرد هوشیار نیست

(۴) زآزادگان، بردباری و سعی

بیاموز، آموختن عار نیست
تا کیست کو نظر ز سر اعتبار کرد

جویای دانش، جویای رحمت است! پس به دنبال دانش‌اندوزی باش و شرمسار از این عمل گرانیامه مباش

۷- کدام عبارت با حکایت «باغبان نیکاندیش» بیش تر قرابت معنایی دارد؟

- | | |
|------------------------------------|------------------------------------|
| کابین دولت و ملک می رود دست به دست | ۱) دریاب کنون که نعمت هست به دست |
| وز پی دیگران درخت نشان | ۲) از درخت دیگران برجین |
| بخور، ببخش که دنیا و آخرت بردی | ۳) توانگرا چو دل و دست کامرانت هست |
| که مخزن زر و گنج درم نخواهد ماند | ۴) توانگرا دل درویش خود به دست آور |

۸- مفهوم بیت «چو بفروختی از که خواهی خرید؟/ متاع جوانی به بازار نیست» در کدام گزینه نیامده است؟

- | | |
|----------------------------------|----------------------------------|
| چو برق آمد و چون ابر نوبهار برفت | ۱) ز روزگار جوانی خبر چه می پرسی |
| نه آن دی که آید بهارش ز پی | ۲) جوانی و پیری بهار است و دی |
| پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار | ۳) ای که دستت می رسد کاری بکن |
| شب شد و روز آمد و بیدار نگشتیم | ۴) جوانی و پیری چون شب و روزند |

۹- همه گزینه ها با بیت «آینه چون نقش تو بنمود راست / خود شکن آینه شکستن خطاست» قرابت معنایی دارند

به جز

- | | |
|---------------------------------|---|
| همچو آینه پیش رو گوید | ۱) دوست دارم که دوست عیب مرا |
| از دل و دیده فرو شوی خیال دگران | ۲) همچو آینه مشو محو جمال دگران |
| | ۳) همانند آینه باشیم نه همانند شانه، شانه در پشت سر عیب گوید و آینه روبه روی. |
| | ۴) همانند آینه باشیم نه همانند ذره بین، عیب های مردم را فراتر از آنچه هست نبینیم. |

۱۰- کدام گزینه با بیت زیر قرابت معنایی ندارد؟

«غنیمت شمر، جز حقیقت مجوی / که باری است فرصت، دگر بار نیست»

- | | |
|-----------------------------------|--|
| هشیار گرد هان که گذشت اختیار عمر | ۱) تا کی می صبح و شکر خواب بامداد؟ |
| زرگری کن که کیمیا داری | ۲) عمر ضایع مکن، که عمر گذشت |
| زان رو، عنان گسسته دواند سوار عمر | ۳) در هر طرف ز خیل حوادث کمین گهی است |
| روز فراق را که نهد در شمار عمر | ۴) بی عمر زنده ام من و این بس عجب مدار |



پاسخ سوالات تستی

۱- گزینه‌ی ۱

معنای صحیح واژه‌های نادرست:

زنهار: هشیار باش

مساعی: جمع سعی، کوشش‌ها، سعی‌ها

۲- گزینه‌ی ۲

معنای واژگان:

متاع: کالای باارزش، چیز گران‌بها

عار: عیب و ننگ، مایهٔ سرافکنندگی

زنگار: غبار، آلودگی، زنگ آینه

۳- گزینه‌ی ۴ مؤلف کتاب «مرزبان‌نامه»؛ مرزبان‌بن رستم است و سعدالدین وراوینی مترجم این کتاب است.

۴- گزینه‌ی ۴

اسلوب معادله ← مصراع دوم مثالی و مصداقی برای مصراع اول است.

مراعات نظیر ← در و دیوار

تضاد ← راست و کج

* البته این بیت دارای آرایهٔ کنایه و تمثیل نیز هست.

۵- گزینه‌ی ۴ زیرا در گزینهٔ (۴) شاعر واقعاً سؤال پرسیده است و از پاسخ آن آگاه نیست.

۶- گزینه‌ی ۱ عبارت اول گزینهٔ (۱) ← مؤمنان برادر یک‌دیگرند / بیت دوم ← خودت را اصلاح کن و عیب‌گو را

سرزنش مکن.

۷- گزینه‌ی ۲ مفهوم مشترک ← ما از دست رنج دیگران استفاده می‌کنیم و باید کاری کنیم که دیگران هم از دست رنج

ما بهره‌مند شوند.

گزینه‌های «۱ و ۳ و ۴» به این که تا قدرت و ثروت داری نیکی کن که این‌ها همه می‌گذرند.

۸- گزینه‌ی ۳ مفهوم بیت سؤال و سایر ابیات ← جوانی اگر از دست برود دیگر به دست نمی‌آید و نمی‌توان آن را از بازار

خرید. در مفهوم کلی‌تر به گذر جوانی اشاره دارد اما گزینهٔ (۳) به فانی بودن قدرت اشاره دارد و این که فرصت را غنیمت بشمار!

۹- گزینه‌ی ۲ مفهوم مشترک عبارات با بیت سؤال ← خودت را اصلاح کن نه آن که عیب‌گویت را تخریب!

اما گزینهٔ «۲» به این نکته اشاره دارد که همانند آینه محو صورت افرادی که مقابلت قرار می‌گیرند نشو.

۱۰- گزینه‌ی ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها گذر عمر است. اما گزینهٔ «۴» به این نکته اشاره دارد که لحظاتی

که با معشوق نباشم جزء عمرم محسوب نمی‌شود!